



پژوهشکده شورای نگهبان

مشرح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۷ شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۳۸

تاریخ: ۱۳۹۷/۹/۱۷



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

**مشروح مذاکرات شورای نگهبان
جلسه مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۷ شورای نگهبان**

ویراستار و مستندساز: محمد حسن باقری

بازبین:

علی زمانیان جهرمی

ناظر علمی:

کاظم گوهری اصفهانی

گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۳۸

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۹/۱۷

پژوهشکده شورای نگهبان



جلسه مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۷ شورای نگهبان

فهرست مطالب

۲مقدمه
۳نطق پیش از دستور
 طرح دوفوریتی استفساریه بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران
۴
۹ طرح اصلاح موادی از قانون معادن و اصلاحات بعدی آن

مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفساریه‌های مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای احاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

نطق پیش از دستور

آقای جنتی - بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض تبریک به مناسبت حلول ایام متبرکه ذی الحججه و عید سعید قربان و عید فرخنده غدیر و آرزوی موفقیت برای همه بندگان صالح خدا که این ایام را به عبادت می گذرانند و از شب عرفه و روز عرفه حداکثر استفاده را در دعا و مناجات می کنند. همچنین آرزوی موفقیت می کنیم برای حجاج محترمان که ان شاء الله بتوانند اعمالشان را به بهترین وجه در سرزمین وحی انجام بدهند و مراسم برائت از مشرکین را هم برگزار کنند و ان شاء الله این مراسم در حجاج کشورهای دیگر تأثیر داشته باشد و هر چه می توانند برای مسئله وحدت [مسلمانان] تلاش کنند. یک نکته ای همیشه در ذهن من تجلی می کرده در خصوص این آیه ای که الآن خوانده شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَ أَوْلَادِكُمْ عَدُوٌّ لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَ إِن تَعْفُوا وَ تَصْفَحُوا وَ تَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^(۱) و آن نکته این است که گاهی ازواج و اولاد [با انسان] حالت دشمنی پیدا می کنند و نتیجه ای اعمالشان، دشمنی است. درباره ای اینکه با این وضعیت چه باید کرد و با این اولاد و ازواج چطوری باید رفتار کرد، خداوند متعال این مفهوم را با سه عبارت بیان کرده: «وَ إِن تَعْفُوا وَ تَصْفَحُوا وَ تَغْفِرُوا». هیچ جای قرآن این سه تا کلمه با هم نیامده است. این نشان می دهد که بالاخره اگر زندگی داخلی خانوادگی بخواهد آرامشی داشته باشد و زندگی گوارایی باشد، حتماً عفو و گذشت و چشم پوشی سرپرست خانواده و پدر را لازم دارد تا این زندگی آرام بشود. به هر حال بیشتر آسیب هایی که زندگی ها می بیند، به دلیل این است که این نکته رعایت نمی شود؛ گذشت نیست و ایرادگیری ها و سخت گیری ها و دعوا و درگیری هایی [در خانواده ایجاد] می شود که گاهی منجر به طلاق هم می شود. از نظر من این نکته ای، خیلی قیمتی است و راه زندگی را [به انسان] نشان می دهد. امروز هم دو دستور عمومی بیشتر نداریم و بقیه ای دستور جلسه، مربوط به بررسی نامه های دیوان عدالت اداری است.

۱. «ای کسانی که ایمان آورده اید، بعضی از همسران و فرزندانان، دشمنان شما هستند، از آنها بر حذر باشید و اگر عفو کنید و چشم ببوشید و ببخشید، (خدا شما را می بخشد) چرا که خداوند بخشنده و مهربان است.» تعاین، ۱۴..

طرح دوفوریتی استفساریه بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

آقای علیزاده- «طرح دوفوریتی استفساریه بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران»^(۱)

موضوع استفساریه: آیا تأمین صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران بازنشسته و افراد تحت تکفل آنها موضوع بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ بر عهده صندوق‌های بازنشستگی ذی‌ربط است؟

نظر مجلس: بلی، تأمین صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران بازنشسته و افراد تحت تکفل آنها موضوع بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران بر عهده صندوق‌های بازنشستگی ذی‌ربط است.

بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران گفته است: «ب- صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران شاغل و بازنشسته و افراد تحت تکفل آنان به عهده دستگاه اجرایی و صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران غیرشاغل و افراد تحت تکفل آنان به عهده بنیاد شهید و امور ایثارگران است. تبصره- دولت موظف است اعتبار لازم برای اجرای این قانون را هر ساله در بودجه سنواتی پیش‌بینی نماید و در اختیار دستگاه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی و بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار دهد.

در سال ۱۳۹۰ صد درصد (۱۰۰٪) هزینه درمان بازنشستگان غیرشاغل از ردیف اعتباری ۱۳۱۶۰۰ بنیاد شهید و امور ایثارگران (مربوط به خدمات درمان ایثارگران غیرشاغل) و ایثارگران سایر دستگاه‌ها از اعتبارات بیمه خدمات درمانی دستگاه‌ها

۱. طرح دوفوریتی استفساریه بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۷۰/۴۴۴۸۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۰ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۷، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

پیش‌بینی و پرداخت می‌شود.» حالا مجلس آمده و این بند (ب) را تفسیر کرده است.

آقای اسماعیلی- یعنی مجلس الآن با این استفساریه، عبارت «دستگاه‌های اجرایی» [مصرح در بند (ب)] را معنا کرده است؟

آقای هاشمی‌شاهرودی- بله، خوب است.

آقای ره‌پیک- هزینه درمان ...

آقای اسماعیلی- نه، دیگر چیزی [در این استفساریه] نیست؛ [صرفاً در این استفساریه بیان کرده که] دستگاه‌های اجرایی مربوطه آنها هستند.

آقای یزدی- یعنی بنیاد شهید، دیگر هیچ‌کاره است؟

آقای اسماعیلی- بنیاد شهید و امور ایثارگران، هزینه‌ی درمان ایثارگرانی را پرداخت می‌کند که شاغل نیستند. این استفساریه مربوط به ایثارگران بازنشسته و افراد تحت تکفل آنان است.

آقای علیزاده- بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنجم گفته هزینه‌های درمانی ایثارگران بازنشسته را دستگاه اجرایی باید بدهد. چون دستگاه‌های اجرایی متولی امور شاغلین هستند و صندوق‌های بازنشستگی دستگاه‌های اجرایی متولی امور بازنشستگان هستند، در این استفساریه، دستگاه اجرایی را در مورد بازنشستگان، «صندوق‌های بازنشستگی ذی‌ربط» معنا کرده است. دستگاه‌های اجرایی، شاغلین ادارات و صندوق‌های بازنشستگی این دستگاه‌ها، بازنشسته‌ها را شامل می‌شود.

آقای اسماعیلی- درستش هم همین‌طوری است.

آقای علیزاده- اگر غیر از این باشد، باید اشکال داشته باشد. در مجلس چه می‌گفتند؟ اشکال کار در کجا بود [که به تفسیر بند (ب) ماده (۴۴) نیاز پیدا شده است]؟

آقای سوادکوهی- همین که الآن فرمودید، کاملاً [درست است]؛ یعنی در واقع غیر از این مطلب نمی‌بایست می‌بود، اما اشکال به خاطر این پیش آمده بود که در بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنجم، به صندوق‌های بازنشستگی اشاره نشده است، ولی در تبصره آمده است: «دولت موظف است اعتبار لازم برای اجرای این قانون را ... در اختیار دستگاه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی و بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار دهد.» این اشکال پیش آمده بود که آیا هزینه‌های درمانی کسانی که شاغل بودند و بازنشسته می‌شوند را هم دستگاه‌های اجرایی باید پرداخت بکنند یا صندوق‌های بازنشستگی، که

با این استفساریه این اشکال رفع شد. همین طور که فرمودید، مجلس به این نحو نظر داده است. البته دو نظر مطرح شده بود. اول که به من دادند، نظر دیگری بود، ولی نظر کمیسیون [برنامه و بودجه و محاسبات] عوض شد و مجلس فقط همین نظری که الآن در مصوبه بیان شده است را تصویب کرد.

آقای هاشمی شاهرودی - [بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه] تفسیر شده است.

آقای ابراهیمیان - یعنی الآن هزینه‌های درمانی ایثارگران بازنشسته را صندوق‌های بازنشستگی می‌دهند؟

آقای سوادکوهی - بله، صندوق‌های بازنشستگی می‌دهند.

آقای عزیزاده - دستگاه‌های اجرایی در مقابل بازنشسته‌ها و نسبت به تأمین آنها هیچ وظیفه‌ای ندارند. چون وقتی اینها بازنشسته می‌شوند، در اختیار صندوق‌های بازنشستگی قرار می‌گیرند.

آقای مدرسی یزدی - کلاً این افراد از دستگاه‌های اجرایی منفصل می‌شوند.

آقای عزیزاده - بله، ولی از طریق این صندوق‌های بازنشستگی، حقوق بازنشستگی و هزینه‌های درمانی کارمندان بازنشسته تأمین می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - درست است.

آقای عزیزاده - بنابراین، این استفساریه، بین پرداخت هزینه‌ی درمانی افراد شاغل و بازنشسته تفصیل قائل شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - این مسیر درست است.

آقای عزیزاده - هزینه‌ی درمانی افراد شاغل دستگاه اجرایی بر عهده‌ی خود اداره‌ای است که آن فرد در آنجا مشغول است. هزینه‌ی درمانی افراد بازنشسته هم بر عهده‌ی صندوق بازنشستگی آن دستگاه اجرایی است که فرد از آن بازنشسته شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، درست است.

آقای اسماعیلی - درست است.

آقای سوادکوهی - این استفساریه‌ی مجلس، وجهه‌ی تقنین هم نداشت [و به معنای واقعی، تفسیر قانون بود].

آقای مدرسی یزدی - آن وقت اگر [ایثارگران شاغل و بازنشسته، تحت پوشش] بیمه‌ی

خصوصی باشند، چه می شود؟

آقای عزیزاده- فرقی ندارد.

آقای مدرسی یزدی- بند (ب) ماده (۴۴) گفته است: «دستگاه اجرایی».

آقای عزیزاده- دستگاه‌های اجرایی از ابتدای استخدام کارمند، از حقوق او کسورات بازنشستگی اش را کسر می کند. «دستگاه» که معنایش دولتی نیست.

آقای مدرسی یزدی- چرا، «دستگاه اجرایی» منصرف به دستگاه‌های دولتی است.

آقای اسماعیلی- نه، بازنشسته یعنی کسی که قبلاً در یک جایی [اعم از دستگاه دولتی و خصوصی] استخدام بوده [و با پایان مدت خدمت، بازنشسته شده است].

آقای هاشمی شاهرودی- بله.

آقای اسماعیلی- هر جایی که آن فرد استخدام بوده است، با یک صندوق بازنشستگی ارتباط دارد.

آقای اسماعیلی- بله، با یکی از صندوق‌های بازنشستگی، مرتبط است.

آقای ره‌پیک- هر کس که بازنشسته بشود، حتی اگر اشتغالش در یک دستگاه خصوصی هم بوده باشد، پس از بازنشستگی از طریق صندوق‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی [حقوق بازنشستگی و هزینه‌های درمانی اش پرداخت می شود].

آقای عزیزاده- نه، این استفساریه، خود «صندوق بازنشستگی [کشوری]»^(۱) را می گوید. همه‌ی صندوق‌های بازنشستگی، جزء نهادهای عمومی اند.

۱. پس از تصویب قانون استخدام کشوری در تاریخ ۱۳۴۵/۳/۳۱ به موجب ماده (۷۰) قانون مزبور، اداره کل بازنشستگی با کلیه دارایی و موجودی صندوق بازنشستگی و اسناد و اوراق و بودجه و تعهدات خود از وزارت دارایی منتزع و تابع سازمان امور اداری و استخدامی کشور گردید و بر اساس اصلاحیه ماده مذکور از اول سال ۱۳۵۴، صندوق بازنشستگی کشوری به صورت مؤسسه‌ای مستقل وابسته به سازمان امور اداری و استخدامی کشور تشکیل گردید. با ادغام سازمان‌های امور اداری و استخدامی کشور و برنامه و بودجه در تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۱ و تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، صندوق بازنشستگی کشوری نیز یکی از مؤسسات تابعه این سازمان شد. با تصویب قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۱ و به‌موجب تبصره (۲) ماده (۱۷) این قانون، صندوق بازنشستگی کشوری از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور منتزع و تابع وزارت رفاه و تأمین اجتماعی گردید و توسط صندوق بازنشستگی کشوری اداره می‌گردد. جهت مطالعه بیشتر، نگاه کنید به سایت

آقای اسماعیلی - بله.

آقای عزیزاده - صندوق‌های بازنشستگی، «دولتی» به معنای خاص نیستند، ولی جزء نهادهای «عمومی» هستند.

آقای اسماعیلی - یعنی بند (ب) اصلاً به این تفسیر هم [نیاز نداشته است] و اصلاً به شکل دیگری قابل تحلیل نبوده است.

آقای رهپیک - بله، این استفساریه اصلاً مطلب جدیدی ندارد؛ صرفاً ابهام را رفع کرده است.

آقای عزیزاده - صندوق‌های بازنشستگی [در قالب کسورات بازنشستگی از کارمندان پول گرفته‌اند] تا در زمان بازنشستگی به آنان بپردازند.

آقای رهپیک - در تبصره بند (ب) ماده (۴۴)، عبارت «صندوق‌های بازنشستگی» آمده است.^(۱)

آقای سوادکوهی - بله، [عبارت «صندوق‌های بازنشستگی» در این تبصره] آمده است.

آقای رهپیک - [حکم این تبصره] باید در متن بند (ب) می‌آمد.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای رهپیک - [این حکم را در بند (ب)] نیاورده بودند، الان [در قالب این تفسیر] به آن تصریح کرده‌اند. مجلس هیچ حکم جدیدی اضافه نکرده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، [عبارت «صندوق‌های بازنشستگی»] به طور ضمنی، در تبصره‌ی بند (ب) بوده است.

آقای اسماعیلی - بله، هست.

آقای رهپیک - بله، در تبصره، این عبارت بوده است.

آقای سلیمی - رأی بگیرید.

آقای عزیزاده - حضرات آقایان فقهای که این تفسیر مجلس را خلاف شرع می‌دانند، بفرمایند. حضرات آقایان [فقها و حقوقدانان] جمعاً، اگر این تفسیر را خلاف قانون اساسی می‌دانند، نظرشان را ابراز بفرمایند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بررسی این استفساریه تمام شد.

۱. تبصره الحاقی به بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۰/۶/۷: «تبصره - دولت موظف است اعتبار لازم برای اجرای این قانون را هر ساله در بودجه سنواتی پیش‌بینی نماید و در اختیار دستگاه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی و بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار دهد.»

آقای علیزاده- این استفساریه، تأیید شد.^(۱)

طرح اصلاح موادی از قانون معادن و اصلاحات بعدی آن

منشی جلسه- «طرح اصلاح موادی از قانون معادن و اصلاحات بعدی آن»^(۲)

ماده واحده- قانون معادن مصوب ۱۳۷۷/۳/۲۳ و اصلاحات بعدی آن به شرح زیر اصلاح می شود:

۱- بندهای (ب) و (ث) تبصره (۳) ماده (۱۲) قانون، به شرح زیر اصلاح و یک بند به عنوان بند (ج) به آن الحاق می شود:

ب- تشخیص و اصلاح و تغییر کمیت و کیفیت ذخیره معدنی و کاهش یا افزایش محدوده های بهره برداری به تناسب میزان ذخیره و استخراج؛

ث- سایر موارد مندرج در این قانون و آیین نامه اجرایی آن؛

ج- تشخیص و تعیین معادن بزرگ و نحوه بهره برداری از آنها.»

آقای جنتی- حالا این بند (ب) و (ث) [قانون فعلی] را بخوانید تا بعد معلوم بشود که در اصلاحیه چه تغییراتی انجام شده است.

منشی جلسه- بند (ب) و (ث) فعلی [اصلاحی ۱۳۹۰/۸/۲۲] این است: «تبصره ۳- وظایف و اختیارات شورای عالی معادن به شرح ذیل است:

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۱ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۷۰/۴۴۴۸۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۰، طرح دوفوریتی استفساریه بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب جلسه مورخ هفدهم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی، در شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. طرح اصلاح موادی از قانون معادن و اصلاحات بعدی آن، در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه ی شماره ۲۷۴/۴۰۵۹۵ مورخ ۱۳۹۲/۷/۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله اول رسیدگی، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۷ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر وجود ابهام در یکی از بندهای این مصوبه را طی نامه ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۹۸۸ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۷ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۴ مجلس، این مصوبه در مرحله دوم رسیدگی در جلسه ی مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه ی شماره ۹۲/۳۰/۵۲۲۲۳ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

... ب- تشخیص و اصلاح و تغییر کمیّت و کیفیت ذخیره معدنی و کاهش یا افزایش محدوده‌های اکتشافی و معدنی به تناسب میزان ذخیره و استخراج؛
... ث- سایر موارد مندرج در این قانون.»

آقای جنتی- اینها جزء وظایف و اختیارات شورای عالی معادن است.

آقای مؤمن- در بند (ب)، «کاهش یا افزایش محدوده‌های اکتشافی و معدنی به تناسب میزان ذخیره و استخراج» را به «کاهش یا افزایش محدوده‌های بهره‌برداری به تناسب میزان ذخیره و استخراج» تبدیل کرده‌اند.

آقای علیزاده- [یکی از معاونان وزیر جهاد کشاورزی طی نامه‌ای به شورای نگهبان] نسبت به این اصلاحیه‌ی مجلس ایراد گرفته‌اند. لابد آن نامه را ملاحظه فرموده‌اید. گفته‌اند: «با توجه به اینکه ماده (۲۴) قانون معادن در سال ۱۳۹۰ مطابق با ماده (۹) قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی^(۱) که در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۸/۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحاتی به تصویب نهایی رسیده، اصلاح گردیده، بر اساس اصول حقوقی، هرگونه تغییر یا اصلاح و الحاق تبصره‌ای به آن باید از طریق همان مرجع صورت پذیرد.^(۲) بنابراین، مصوبه اخیرالذکر مجلس از

۱. ماده (۹) قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی مصوب ۱۳۸۷/۸/۲۵: «ماده ۹- به‌منظور تسریع و گسترش عملیات اکتشاف و بهره‌برداری از معادن و توسعه صنایع معدنی، قانون معادن به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

... ب- ماده (۲۴) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۲۴- جهت تسریع در امر اکتشاف و بهره‌برداری از معادن، دستگاه‌های اجرایی مربوطه مکلفند حداکثر ظرف مدت دو ماه نسبت به استعلام وزارت صنایع و معادن جهت صدور پروانه اکتشاف در موارد ذیل اعلام نظر نمایند.

حریم قانونی راه‌ها و راه‌آهن؛ در داخل شهرها و حریم قانونی آنها؛ در حریم قانونی سدها و شبکه توزیع آب و حوضچه‌های سدها و قنوت؛ در داخل جنگل‌ها و مراتع؛ در حریم اماکن مقدسه و ابنیه تاریخی؛ در حریم پادگان‌ها و محل استقرار نیروهای مسلح.

در مناطق موضوع بند (الف) ماده (۳) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، عدم اعلام نظر در مهلت مقرر به منزله موافقت دستگاه‌های مزبور تلقی می‌شود.

تبصره- استعلام برای یک محل، فقط یک‌بار و در موقع صدور پروانه اکتشاف توسط وزارت صنایع و معادن تا حداکثر سه ماه صورت خواهد گرفت.»

۲. نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان: «هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه

این منظر نیز باید به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام برسد.^(۱) من هر چه نگاه کردم، مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت در خصوص این قانون [رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی]، نسبت به مواد اصلاحی [طرح اصلاح موادی از قانون معادن] نبوده است. در آنجا ما به مواد مختلفی ایراد گرفته بودیم که آن ایرادها ارتباطی به این ماده (۲۴) ندارد.^(۲)

آقای هاشمی‌شاهرودی - بالآخره اضافه کردن [عبارت «بهره‌برداری»، به بند (ب) ماده (۲۴) سابق] که اشکال ندارد.

آقای مؤمن - [به عبارت سابق، چیزی] اضافه نکرده‌اند؛ «محدوده‌های اکتشافی و معدنی» را به «محدوده‌های بهره‌برداری» تبدیل کرده‌اند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اشکالی ندارد. چه اشکالی دارد؟ اصلاً این ماده‌ی اصلاحی، ماده (۱۲) قانون معادن است [نه ماده (۲۴)].

آقای عزیزاده - بله، اصلاً ماده (۱۲) قانون معادن، ارتباطی به ماده (۹) قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی نداشته است. ماده‌ی اصلاحی، ماده (۱۲) است.

آقای رهپیک - نه، بند دوم ماده واحده، [الحاق یک تبصره به ماده (۲۴) است].

آقای یزدی - بند (ج) که اضافه شده، «تشخیص و تعیین معادن بزرگ و نحوه بهره‌برداری از آنها» است.

آقای عزیزاده - این که اشکالی ندارد.

→

مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بوده، مجلس پس از گذشت زمان معتدیه که تغییر مصلحت موجه باشد، حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد، در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.^۱ نامه‌ی شماره ۹۲/۱/۳۶۰۰۸ مورخ ۱۳۹۲/۷/۹ معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، خطاب به قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان.

۲. جهت ملاحظه‌ی ایرادات شورای نگهبان، نگاه کنید به نظر شماره ۸۶/۳۰/۲۱۰۸۰ مورخ ۱۳۸۶/۲/۱۳ شورای نگهبان نسبت به طرح رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی مصوب ۱۳۸۶/۱/۲۶ و مصوبه مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص همان طرح، منتشر شده در سایت

آقای مؤمن- اینها [= نمایندگان مجلس] «محدوده‌های اکتشافی و معدنی» را به «محدوده‌های بهره‌برداری» تبدیل کرده‌اند.

آقای علیزاده- خیلی خوب، این که اشکال ندارد.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی- بند (۱) اشکال ندارد.

آقای علیزاده- بند (ث) می‌گوید: «سایر موارد مندرج در این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن». [معلوم نیست] آیا همه‌ی موارد مندرج در این قانون را گفته است؟ آیین‌نامه‌ی اجرایی‌اش چیست؟ اصلاً شما آیین‌نامه‌ی اجرایی‌اش را دیده‌اید؟ آیین‌نامه‌ی اجرایی‌اش خلاف شرع یا خلاف قانون اساسی نیست؟ آیا الآن [با آوردن این عبارت]، منظورشان این است که این [آیین‌نامه] را به عنوان یک قانون تلقی کرده‌اند و بنابراین، تأیید ما نسبت به این مصوبه، تأیید مفاد آن آیین‌نامه هم خواهد بود؟ چون می‌گوید آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون هم لازم‌الاجرا است. آیا اصلاً نمایندگان مجلس، واقعاً این آیین‌نامه را هم تصویب کرده‌اند؟!

آقای هاشمی‌شاه‌رودی- هر زمان تصویب بکنند، به عنوان قضیه حقیقیه است [و ما مفاد آن را از جهت مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع بررسی خواهیم کرد].

آقای علیزاده- «هر زمان تصویب بکنند» یعنی چه؟ [با تأیید این مصوبه از سوی شورای نگهبان] فردا همین آیین‌نامه‌ای که الآن تصویب شده است را هزار جور تغییر می‌دهند و می‌گویند شورای نگهبان همین را قبلاً تأیید کرده است.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی- این که آیین‌نامه نیست.

آقای مؤمن- موقعی که آیین‌نامه شد.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی- آیین‌نامه زمانی آیین‌نامه می‌شود که در شورای نگهبان بررسی شود و رد نشود.

آقای علیزاده- خوب، آیین‌نامه که برای بررسی به شورای نگهبان نمی‌آید.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی- یا بالأخره قانون باشد.

آقای جنتی- این آیین‌نامه [چون آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون است]، در حدود قانون و برای اجرای همین قانون است.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی- در مورد قانون است.

آقای جنتی- مازاد بر قانون که در آیین‌نامه [اجرایی] نمی‌آورند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بند (ث) اشکالی ندارد.

منشی جلسه - «۲- یک تبصره به عنوان تبصره (۵) به شرح زیر به ماده (۲۴) قانون^(۱) الحاق می‌شود:

۱. ماده (۲۴) قانون معادن، اصلاحی ۱۳۹۰/۸/۲۲: «ماده ۲۴- جهت تسریع در امر اکتشاف و بهره‌برداری از معادن، دستگاه‌های اجرایی و متولیان قانونی مربوط مکلفند حداکثر ظرف دو ماه نسبت به استعلام وزارت صنعت، معدن و تجارت جهت صدور پروانه اکتشاف در موارد ذیل اعلام نظر نمایند:

الف- حریم قانونی راه‌ها و راه‌آهن؛ ب- داخل شهرها و حریم قانونی آنها؛ پ- حریم قانونی سدها و شبکه‌های توزیع آب و حوضچه‌های سدها و قنوت؛ ت- داخل جنگل‌ها و مراتع؛ ث- حریم اماکن مقدسه و ابنیه تاریخی؛ ج- حریم پادگان‌ها و محل استقرار نیروهای مسلح؛ چ- مناطقی با عنوان پارک ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه حیات وحش و حفاظت‌شده؛ ح- حوزه‌های دارای مواد پرتوزا بیش از حد مجاز.

استعلام از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت و فقط یک بار برای صدور پروانه اکتشاف انجام می‌گیرد. پروانه اکتشاف توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت حداکثر سه ماه پس از استعلام صادر می‌شود. اعلام نظر باید برای کل محدوده مورد تقاضا صورت گیرد و عدم اعلام نظر در مهلت مقرر، به منزله موافقت دستگاه‌های مذکور تلقی می‌شود.

تبصره ۱- دستگاه‌های اجرایی مربوط مکلفند ظرف سه ماه پس از ابلاغ این قانون، نسبت به اعلام وضعیت حریم‌های قانونی خود به وزارت صنعت، معدن و تجارت اقدام نمایند.

تبصره ۲- سازمان انرژی اتمی ایران مکلف است ظرف سه ماه پس از ابلاغ این قانون حوزه‌های اکتشافی دارای مواد پرتوزا بیش از حد مجاز را به وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام نماید. همچنین سازمان انرژی اتمی ایران ابتدای هر سال محدوده‌های جدید را اعلام می‌کند و وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است با رعایت مفاد این ماده در مناطق اعلام‌شده از سازمان انرژی اتمی ایران استعلام نماید.

تبصره ۳- وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان حفاظت محیط زیست مکلفند در مورد معادن متروکه و مسبوق به سابقه واقع در مناطق موضوع بند (چ) این ماده، بررسی و تصمیم‌گیری نمایند و در صورت عدم توافق چنانچه با در نظر گرفتن نوع ماده معدنی و میزان ذخیره از نظر مصالح ملی، بهره‌برداری از این معادن به مصلحت باشد، وزارت صنعت، معدن و تجارت با تصویب هیئت وزیران نسبت به احیا و راه‌اندازی آنها اقدام کند.

تبصره ۴- وزارت صنعت، معدن و تجارت وظیفه مدیریت یکپارچه، هماهنگی و اداره امور اخذ، تکمیل و صدور مجوز را بر عهده دارد و از طریق ایجاد پنجره واحد با مشارکت سایر دستگاه‌های مرتبط به‌گونه‌ای اقدام می‌نماید که ضمن رعایت اصل هم‌زمانی پاسخ استعلامات، سقف زمانی مورد نظر برای صدور مجوز از زمان پیش‌بینی‌شده در قانون تجاوز ننماید. در ایجاد فرآیند پنجره واحد، دستگاه‌های فرعی مکلفند نسبت به ارائه خدمات از طریق استقرار نماینده تام‌الاختیار در محل پنجره‌های واحد و با در فضای مجازی اقدام و همکاری لازم را به عمل آورند.»

تبصره ۵- در صورتی که سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، به پاسخ‌های استعلام از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اعتراض داشته باشد، موضوع به هیئت حل اختلاف موضوع ماده (۲۴ مکرر)^(۱) ارجاع می‌شود تا حداکثر ظرف پانزده روز در مورد آن تعیین تکلیف گردد. جلسات این هیئت حداقل با حضور پنج نفر رسمیت می‌یابد و رأی آن با اکثریت مطلق عده حاضر، قطعی و لازم‌الاجرا است.»

آقای علیزاده- [در خصوص این مصوبه] سازمان محیط زیست هم نامه‌ای نوشته و به برخی دستگاه‌ها هم رونوشت زده است.^(۲) ایراد آنها به ترکیب اعضای هیئت حل اختلاف [موضوع ماده (۲۴ مکرر)] است. البته من نمی‌خواهم بگویم که ایرادشان وارد است یا نه، ولی می‌گویند که اختیار [رسیدگی به اعتراضات و حل اختلاف در مورد پاسخ منفی اداره کل محیط زیست به استعلام ادارات کل صنعت، معدن و تجارت استان‌ها] را به این هیئت

۱. ماده (۲۴) مکرر قانون معادن، الحاقی ۱۳۹۲/۸/۱۴: «ماده ۲۴ مکرر- اعضای هیئت حل اختلاف عبارتند از:

۱- استاندار یا معاون ذی‌ربط به عنوان رئیس هیئت؛ ۲- رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان به عنوان دبیر هیئت؛ ۳- یک نفر کارشناس خبره معدن با معرفی سازمان نظام مهندسی معدن استان؛ ۴- رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان؛ ۵- نماینده دستگاه مورد اعتراض ذی‌ربط؛ ۶- یک نفر از بهره‌برداران باتجربه و متخصص در امور معدنی با انتخاب خانه معدن استان و در صورت عدم وجود خانه معدن در استان، با انتخاب خانه معدن کشور؛ ۷- یک نفر حقوقدان آشنا به مسائل معدنی با انتخاب و معرفی رئیس دادگستری استان.»

۲. نامه‌ی شماره ۹۲/۲۳۱۹۸ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ رئیس سازمان محیط زیست خطاب به دبیر شورای نگهبان. رونوشتی از این نامه به رئیس دفتر مقام معظم رهبری، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی و معاون توسعه مدیریت، حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط زیست ارسال شده است. در قسمتی از این نامه آمده است: «متأسفانه اخیراً کلیات طرح الحاق یک تبصره به ماده (۲۴) قانون اصلاحی معادن در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۷/۳ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. در این اصلاحیه هیئتی برای رسیدگی به اعتراضات و حل اختلاف (در صورت پاسخ منفی ادارات کل محیط زیست به استعلام ادارات کل صنعت، معدن و تجارت استان‌ها) دیده شده است که با توجه به ترکیب تعیین شده در هیئت مذکور (تقریباً همگی اعضای آن از نمایندگان دولتی و خصوصی بخش صنعت، معدن و تجارت می‌باشند) بدون حضور نماینده محیط زیست، استعلامات صورت پذیرفته از طرف این سازمان می‌تواند بلااثر و موجبات تخریب عرصه‌های طبیعی کشور فراهم شود و در این صورت هیچ‌گونه تضمینی برای حفاظت در محدوده زیستگاه‌های حساس و جلوگیری از تخریب و آلودگی عرصه‌های طبیعی کشور (مورد تأکید اصل پنجاهم قانون اساسی) وجود نخواهد داشت.»

داده‌اند که [با توجه به ترکیب تعیین‌شده در این هیئت‌ها، چون تقریباً همگی اعضای آن از نمایندگان دولتی و خصوصی بخش صنعت، معدن و تجارت هستند و نماینده محیط زیست در میان آنها حضور ندارد]، اعضای هیئت، ملزم به توجه به نظر سازمان محیط زیست نیستند و این به معنای از بین بردن محیط زیست و جنگل‌ها است.

البته به نظر ما یک ایراد دیگری به تبصره‌ی الحاقی وارد است و آن، قطعی و لازم‌الاجرا بودن آرای هیئت حل اختلاف است که اصلاً قابل شکایت نیست. خوب ممکن است [سازمان محیط زیست] نسبت به این آراء اعتراض داشته باشد. شورای نگهبان، همیشه نسبت به این موضوع [سلب حق اعتراض از آراء و مراجعه به محاکم صالح] ایراد می‌گرفته است.^(۱) چون تبصره (۵) الحاقی می‌گوید که آرای این هیئت [قطعی و لازم‌الاجرا است و] قابل شکایت در دادگستری نیست. معنای «لازم‌الاجرا»، این است. ممکن است کسی رأی را قبول نداشته باشد [و به آن اعتراض داشته باشد]. این مصوبه اجازه نمی‌دهد که [کسی از این آراء] به دیوان عدالت اداری یا به جای دیگری شکایت بکند.

۱. بر اساس اصل سی و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد». شورای نگهبان، موارد متعددی از مصوبات مجلس را که منجر به سلب حق دادخواهی افراد و نهادها بوده است، مغایر اصل (۳۴) قانون اساسی دانسته است. از آن جمله می‌توان به نظر شماره ۱۵۰ مورخ ۱۳۷۴/۲/۶ شورای نگهبان در خصوص طرح گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب ۱۳۷۴/۱/۲۰ مجلس شورای اسلامی، نظر شماره ۷۹/۲۱/۸۷۴ مورخ ۱۳۷۹/۶/۲۹ شورای نگهبان در خصوص قانون اصلاح ماده (۱۳) قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۷۹/۶/۱۵ مجلس شورای اسلامی، نظر شماره ۸۰/۲۱/۲۱۰۹ مورخ ۱۳۸۰/۶/۱۲ شورای نگهبان در خصوص طرح الحاق دو تبصره به ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش رقبات آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۸۰/۵/۲۱ مجلس شورای اسلامی، نظر شماره ۸۱/۳۰/۱۸۲۰ مورخ ۱۳۸۱/۸/۱۵ شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۸۱/۷/۱۷ مجلس شورای اسلامی و نظر شماره ۸۲/۳۰/۶۴۲۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۴ شورای نگهبان در خصوص طرح نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ مجلس شورای اسلامی اشاره کرد. جهت ملاحظه و کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه، نگاه کنید به: موسی‌زاده، ابراهیم و همکاران، دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران: اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۸۹)، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۹۰، ذیل اصل سی و چهارم.

آقای مؤمن- تبصره (۵) الحاقی می‌گوید در صورتی که سازمان صنعت، معدن و تجارت استان [به پاسخ‌های استعلام از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط] اعتراض داشته باشد، هیئت حل اختلاف نظر می‌دهد. هرچه اکثریت مطلق این هیئت نظر دادند، آن سازمان صنعت باید بپذیرد.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی- سازمان صنعت، معدن و تجارت، دولتی است.

آقای مؤمن- دولتی است؛ یعنی خود دولت، [مرجع حل اختلاف دستگاه‌های دولتی] است. مجمع مشورتی فقهی قم هم در خصوص این مصوبه، نظری داده است.

آقای علیزاده- اگر چنین چیزی بگویید، خلاف قانون است.

آقای مؤمن- نه، خلاف قانون نیست.

آقای علیزاده- همان اداره [= سازمان محیط زیست یا سازمان صنعت، معدن و تجارت] می‌گوید این خلاف قانون است و من قبول ندارم.

آقای مؤمن- من نظر مجمع مشورتی فقهی را می‌خوانم: «توضیح این مطلب مناسب است که هیئت حل اختلاف، به اعتراض سازمان صنعت و معدن و تجارت استان که ارگانی دولتی می‌باشد، رسیدگی نموده و اعمال نظر می‌نماید. در نتیجه قطعی‌دانستن آراء اکثریت این هیئت، موجب تضییع حق اشخاص غیردولتی نخواهد شد تا خلاف شرع لازم آید؛ اما نسبت به حقوق اشخاص غیردولتی، این تبصره تعرضی ندارد و مانعی در این قانون از مراجعه این اشخاص به مراجع قضایی نیست و بناءً علیه هیچ جهتی موجب خلاف شرع دانستن آن وجود ندارد.»^(۱)

آقای علیزاده- خب، [در این موارد] اگر حق دولت [تضییع] بشود، چه؟

آقای مؤمن- خودشان [که دولتی هستند]، حق دولت را مشخص می‌کنند.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی- دولت این حق را [به این هیئت حل اختلاف] داده است.

آقای مؤمن- مجلس خودش دارد این حق را به دولت [و هیئت حل اختلافی که دولتی است] می‌دهد.

آقای علیزاده- نه، دولت [چنین حقی به این هیئت] نمی‌دهد.

۱. نظر شماره ۶۵۱/ف/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۶ مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون معادن و اصلاحات بعدی آن. (www.shora-rc.ir)

آقای مؤمن- چرا؟ مجلس می‌گوید که هر نظری که هیئت حل اختلاف - که مجمعی دولتی هستند - دادند، سازمان صنعت، معدن و تجارت باید قبول کند و آن را اجرا کند. [سازمان صنعت، معدن و تجارت استان] مسئول [اجرای مصوبات هیئت حل اختلاف] است.

آقای هاشمی‌شاهرودی- بله، درست است. این سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، مسئول [اجرای مصوبات هیئت حل اختلاف] است.

آقای مؤمن- چه اشکالی دارد؟

آقای جنتی- [این تبصره (۵)، در حکم] قانون داخلی‌شان است.

آقای مؤمن- بله، قانونی مربوط به خود دولت است؛ حالا چه [از این مصوبه‌ی هیئت حل اختلاف]، خلاف شرع لازم آید یا خلاف قانون اساسی؟

آقای علیزاده- این، خلاف شرع نیست.

آقای هاشمی‌شاهرودی- اصلاً قانون‌گذار می‌توانست بگوید [هیچ نهاد دولتی، از جمله سازمان صنعت، معدن و تجارت، به طور کلی] حق شکایت ندارند. می‌توانست این را بگوید.

آقای مؤمن- اما این تبصره (۵) الحاقی، نسبت به حقوق اشخاص غیردولتی، تعرضی ندارد [که آن را مغایر اصل (۳۴) قانون اساسی بدانیم].

آقای هاشمی‌شاهرودی- [نسبت به حقوق اشخاص غیردولتی] ساکت است.

آقای مؤمن- به آنها کار ندارد. اگر آنها می‌خواهند شکایت بکنند، می‌توانند بروند [از تصمیمات هیئت حل اختلاف] شکایت کنند. این تبصره (۵) الحاقی متعرض حقوق اشخاص غیردولتی نیست.

آقای علیزاده- ممکن است اصلاً رأی هیئت حل اختلاف به دلیل اعتراض شخص غیردولتی باشد.

آقای مؤمن- نخیر، [در تبصره چنین مطلبی] نیامده است. اشخاص غیردولتی می‌توانند به دادگستری اعتراض کنند؛ چون در این مصوبه، از مراجعه‌ی اشخاص غیردولتی [به دادگاه‌ها، سخنی به میان نیامده و ممانعتی نشده است].

آقای هاشمی‌شاهرودی- [آراء هیئت حل اختلاف]، نسبت به [سازمان صنعت، معدن و تجارت] قطعی است، نه نسبت به اشخاص غیردولتی. در نظر مجمع مشورتی فقهی هم گفته‌اند: «نسبت به حقوق اشخاص غیردولتی، این تبصره تعرضی ندارد و مانعی در این قانون از مراجعه این اشخاص به مراجع قضایی نیست و بناءً علیه هیچ جهتی

موجب خلاف شرع دانستن آن وجود ندارد.» البته هیچ جهتی موجب خلاف قانون اساسی دانستن آن هم وجود ندارد.

آقای مدرسی یزدی - دستگاه‌های اجرایی باید حافظ حقوق اشخاص باشند.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - اشخاص غیردولتی، خودشان می‌توانند [در دادگستری‌ها] مرافعه کنند.

آقای مؤمن - [اشخاص غیردولتی] می‌توانند خودشان به دادگستری بروند.

آقای هاشمی شاهرودی - خودشان بروند شکایت کنند.

آقای مؤمن - طبق اصل (۳۴) قانون اساسی، «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید». [همچنین] اصل ۱۵۹ قانون اساسی می‌گوید: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است». [در نتیجه هر کس نسبت به آرای این هیئت اعتراض دارد می‌تواند به دادگاه] مراجعه کند. جلویش را که نگرفته‌اند، می‌تواند برود شکایت کند.

آقای علیزاده - تبصره (۵) می‌گوید [حق مراجعه به دادگستری] نیست.

آقای مؤمن - [اگر هیئت حل اختلاف، موضوع را بررسی نکرد،] خودش می‌تواند برود به دادگستری شکایت بکند.

آقای هاشمی شاهرودی - [این مصوبه، مراجعه به دادگستری را] نفی نکرده است.

آقای مؤمن - بله، جلویش را نگرفته‌اند.

آقای علیزاده - وقتی این تبصره (۵) می‌گوید که آرای هیئت حل اختلاف قطعی است، به کجا شکایت کنند؟

آقای مؤمن - «قطعی» برای کیست؟ برای چه کسی می‌گوید «قطعی» است؟

آقای علیزاده - شما اجازه بدهید من به جایش می‌گویم [که برای چه کسی می‌گوید قطعی است]: این مصوبه، برای همه گفته [آراء هیئت حل اختلاف] قطعی است.

آقای مؤمن - نه.

آقای علیزاده - هیئت هر زمان که رأی بدهد، معلوم نیست که حتماً به ضرر آن دستگاه باشد، بلکه هر رأیی که این هیئت بدهد، قطعی است؛ چه به ضرر مردم باشد و چه به ضرر دستگاه دولتی.

آقای مؤمن- نه.

آقای هاشمی‌شاهرودی- [رأی هیئت حل اختلاف] نسبت به سازمان صنعت، معدن و تجارت استان قطعی است.

آقای مؤمن- تبصره (۵) می‌گوید که در صورتی که سازمان صنعت، معدن و تجارت استان به پاسخ‌های استعلام از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اعتراض داشته باشد، اعتراض را به این هیئت حل اختلاف می‌دهد. [بنابراین] رأی این هیئت صرفاً نسبت به سازمان صنعت، معدن و تجارت استان قطعی است، نه نسبت به دیگران. اگر شخص دیگری به هیئت حل اختلاف اعتراض نکرده، می‌تواند به دادگستری مراجعه کند. این مصوبه، نسبت به مراجعی اشخاص به دادگستری هیچ چیزی نمی‌گوید.

آقای ابراهیمیان- درباره لازم‌الاجرا بودن رأی هیئت حل اختلاف در تبصره (۵) الحاقی، باید توجه کنیم که این هیئت حل اختلاف، مسئله اختلاف را بین خود اجزا و ارکان دولت حل و فصل می‌کند. بنابراین، در این موارد که مربوط به اتخاذ یک سری از ترتیبات داخلی است، گفته شده که رأی این هیئت قطعی و لازم‌الاجرا است. خب اگر این ذکر «لازم‌الاجرا بودن آراء»، مواردی را که در قانون، راه شکایت برای آنها پیش‌بینی شده است یا با توجه به عموماتِ حقِ مراجعه به دادگستری، می‌توان نسبت به آنها شکایت کرد را نفی نکند، اشکالی ندارد.

آقای علیزاده- ایرادی ندارد.

آقای ابراهیمیان- اینکه تبصره (۵) الحاقی می‌گوید آراء این هیئت، قطعی است، مثل تصمیم کمیسیون تجدیدنظر ماده (۱۰۰) قانون شهرداری است که قانون شهرداری در موردش می‌گوید رأی صادره‌ی آن کمیسیون، قطعی و لازم‌الاجرا است؛^(۱) [قطعی و لازم‌الاجرا بودن آراء این مراجع] یعنی اینکه در آن سلسله مراتب خاص تصمیم‌گیری، دیگر امکان ادامه‌ی رسیدگی به آن موضوع وجود ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی- من به اینجایش اشکال دارم.

۱. تبصره (۱۰) قانون شهرداری الحاقی ۱۳۵۸/۶/۲۷: «تبصره ۱۰- در مورد آراء صادره از کمیسیون ماده صد قانون شهرداری، هرگاه شهرداری یا مالک یا قائم‌مقام او از تاریخ ابلاغ رأی ظرف مدت ده روز نسبت به آن رأی اعتراض نماید، مرجع رسیدگی به این اعتراض، کمیسیون دیگر ماده صد خواهد بود که اعضای آن غیر از افرادی می‌باشند که در صدور رأی قبلی شرکت داشته‌اند. رأی این کمیسیون قطعی است.»

آقای ابراهیمیان- اما با این حال، عموماً مربوط به [حق] مراجعه به دادگستری [مذکور در اصل (۳۴) قانون اساسی] سر جایش باقی است. منتها یک بحث دیگر که در اینجا مطرح می‌شود، مربوط به حرف سازمان حفاظت محیط زیست است که گفته در این هیئت [با توجه به ترکیب اعضای پیش‌بینی شده در آن]، به نظر سازمان حفاظت محیط زیست توجه نمی‌شود. خوب، خود این صحبت مستقیماً مغایرتی با قانون اساسی ندارد، ولی ما در اصل ۵۰ قانون اساسی^(۱) شاهد لسان ویژه‌ای در مورد محیط زیست هستیم. این اصل می‌گوید حفاظت از محیط زیست، وظیفه‌ی عمومی تلقی می‌گردد. اساتید بزرگوار من استحضار دارند که «عمومی» با «دولتی» تفاوت دارد؛ یعنی یک راه نظارت مردم، نهادهای مدنی [و مردم‌نهاد] در این موارد وجود دارد که باید در قوانین، این راه شکایت مردم نسبت به تصمیماتی که مربوط به محیط زیست می‌شود پیش‌بینی بشود. به عبارت دیگر اگر محیط زیست در پاسخ به استعلام سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، با بهره‌برداری از معدن مخالف باشد و سود و زیان و هزینه و فایده‌اش را [در مقابل تخریب بخشی از محیط زیست] بی‌ارزش بداند، [شکایت سازمان صنعت، معدن و تجارت استان نسبت به این اظهارنظر سازمان حفاظت محیط زیست] در این هیئت حل اختلاف مطرح می‌شود؛ هیئتی که همه‌ی اعضای این هیئت، دولتی هستند و خود محیط زیست هم دولتی است [و هیچ نهاد مردمی در این هیئت حضور ندارد و امکان طرح شکایت هم ندارد].

آقای هاشمی‌شاهرودی- حالا این ایراد چه ربطی به [قانون اساسی دارد؟] ... خود سازمان محیط زیست هم دولتی است.

آقای ابراهیمیان- چرا، دقیقاً عرضم همین است. در این مصوبه، سازوکار نظارت عمومی بر حفاظت از محیط زیست پیش‌بینی نشده است و قانون از این حیث ابهام دارد؛ یعنی باید در این مصوبه پیش‌بینی شود که عموم مردم چطوری می‌توانند زمانی که بین محیط زیست و سازمان‌های دیگر اختلاف شد و نظر هیئت خلاف نظر محیط

۱. اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

زیست [و مصالح زیست محیطی] است، شکایت کنند؟ چون خیلی وقت‌ها رأی این هیئت، یک مصوبه‌ی صرف نیست و یک اقدام است و زمانی که یک فرد عادی یا یک انجمن حمایت از محیط زیست بخواهد از اقدامی که باعث تخریب محیط زیست شده است شکایت کند، می‌گویند که شما صلاحیت و نفع شکایت در دیوان عدالت اداری را ندارید. بنابراین، به نظر من، در این مصوبه، مکانیزم نظارت و مداخله‌ی عموم در حفاظت محیط زیست مبهم است.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی- این مصوبه از این جهت، ساکت است. بنابراین، این اشکال به این مصوبه وارد نیست.

آقای ابراهیمیان- اشکال دارد. این امر باید در این مصوبه پیش‌بینی شود؛ چون تصمیم‌گیری در این امر را به نهادهای دولتی واگذار کرده است.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی- چون در این مصوبه نسبت به این موضوع، هیچ پیش‌بینی نشده است، ما باید اشکال بکنیم؟!

آقای ابراهیمیان- نه، عرض این است که این مصوبه، تمام تصمیم‌گیری‌ها را به هیئتی که متضمن نظارت عمومی نیست، محول کرده است.

آقای علیزاده- شما می‌فرمایید که اعضای این هیئت، دولتی هستند؛ حال آنکه بعضی از حقوق - از جمله محیط زیست - از طرف دولت قابل اغماض نیست. هیچ‌کس نمی‌تواند مجوز قطع بعضی از گونه‌های گیاهی و درخت‌ها را بدهد.

آقای مدرسی‌یزدی- طبق کدام قانون؟

آقای علیزاده- خودش قانون دارد.

آقای مدرسی‌یزدی- طبق کدام قانون؟

آقای ابراهیمیان- قانون عادی [در این زمینه] وجود دارد.^(۱)

۱. برای مثال می‌توان به ماده (۱) قانون اصلاح لایحه قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۸۸/۴/۲۰ اشاره کرد: «ماده ۱- به‌منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان، قطع هر نوع درخت و یا نابود کردن آن به هر طریق در معابر، میداین، بزرگراه‌ها، پارک‌ها، بوستان‌ها، باغات و نیز محل‌هایی که به تشخیص شورای اسلامی شهر باغ شناخته شوند، در محدوده و حریم شهرها بدون اجازه شهرداری و رعایت ضوابط مربوطه ممنوع است. ضوابط و چگونگی اجرای این ماده در چهارچوب آیین‌نامه مربوط با رعایت شرایط متنوع مناطق مختلف کشور توسط وزارت کشور با هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت

آقای علیزاده- محیط زیست، جزء سرمایه‌های ملی است. بعضی از اوقات دو تا دستگاه دولتی با هم می‌سازند و اصلاً به حرف دستگاهی که متصدی است، توجه نمی‌کنند. [این مصوبه] در ظاهرش این‌طوری است، ولی در باطنش دارد یک چیزهایی را به کلی از بین می‌برد. مثلاً شخصی که می‌خواهد کارخانه‌ای را راه‌اندازی کند، سازمان حفاظت محیط زیست به او می‌گوید اول باید مجوز زیست محیطی بگیری.

آقای مؤمن- سازمان حفاظت محیط زیست چه نسبتی با این مصوبه دارد؟ در این مصوبه به محیط زیست اشاره نشده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی- سازمان حفاظت محیط زیست، خودش جزء دولت است.

آقای علیزاده- این مصوبه برای اشخاص است؛ دولت دارد برای اشخاص تصویب می‌کند.

آقای مؤمن- این مصوبه ربطی به اشخاص ندارد؛ اشخاص نمی‌توانند [به این هیئت] شکایت کنند.

آقای ابراهیمیان- اشخاص به نفعشان است که [مجوز فعالیت صنعتی در زمینه معادن را به دست آورند].

آقای علیزاده- در ابتدا، اشخاص تقاضای فعالیت صنعتی - مانند اکتشاف و استخراج معادن - به سازمان صنعت، معدن و تجارت می‌دهند.

آقای مؤمن- ملک شخصی است یا ملک دولت است؟

آقای علیزاده- ملک دولت است. مثلاً در موردی ممکن است سازمان محیط زیست بگوید که اگر بخواهید از این معدن استفاده کنید، ضایعات آن وارد رودخانه می‌شود و محیط زیست را از بین می‌برد و طبق اصل (۵۰) قانون اساسی، محیط زیست باید حفظ شود. ممکن است در اینجا سازمان محیط زیست و همه‌ی مردم مخالف راه‌اندازی معدنی باشند، ولی این هیئت حل اختلاف بگوید من موافقم!

→

جهاد کشاورزی و شهرداری تهران تهیه و به تصویب شورای عالی استان‌ها می‌رسد.
تبصره ۱- اصلاح و واکاری باغات در حریم شهرها به شکل جزئی و یا کلی مشمول این ماده نیست و طبق ضوابط مصوب وزارت جهاد کشاورزی انجام می‌شود.

تبصره ۲- مصوبات شورای عالی استان‌ها جهت تطبیق با قوانین و رعایت اصل یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی خواهد رسید تا در صورتی که بر خلاف قوانین بود، با ذکر دلیل برای تجدیدنظر و اصلاح به شورای عالی استان‌ها ارسال گردد.»

آقای مؤمن- بله، [اعضای این هیئت]، نمایندگان دولت هستند.

آقای هاشمی شاهرودی- هر دو [اعضای هیئت حل اختلاف و مسئولان محیط زیست] دولتی‌اند.

آقای مؤمن- همه‌شان دولتی هستند.

آقای علیزاده- یعنی چه؟ اموال عموم مردم را دارند از بین می‌برند!

آقای هاشمی شاهرودی- [مسئولیت تخریب] محیط زیست با آن مسئولان دولتی است که خلاف قانون عمل کرده‌اند.

آقای مؤمن- محیط زیست، مال همه نیست، برای عموم است.

آقای علیزاده- یعنی چه؟

آقای هاشمی شاهرودی- حالا آن موضوع [= لزوم امکان شکایت گروه‌های مردم‌نهاد به این هیئت و یا از آراء این هیئت] که در قانون نباید بیاید.

آقای علیزاده- من تعجب می‌کنم آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی یک چیزی فرموده‌اند؛ حالا شما می‌گویید ... آنها این مطالبی که ما گفتیم را در نظر نگرفته‌اند، [که این مصوبه را خلاف شرع ندانسته‌اند].

آقای مؤمن- چرا، آنها این مطالب را در نظر گرفته‌اند.

آقای علیزاده- من الآن برای شما مثالی می‌زنم. فرض کنید من می‌خواهم اجازه اکتشاف و استخراج معدنی را بگیرم. اگر آن هیئت پایین [به استناد استعلام سازمان حفاظت محیط زیست] به من این اجازه را نداد و من به این هیئت حل اختلاف شکایت کردم و مجوز گرفتم، چه می‌شود. حرف سازمان حفاظت محیط زیست هم حرف صحیحی است. محیط زیست به عنوان مدعی‌العموم [در حوزه مسائل زیست‌محیطی] باید حق داشته باشد به دادگستری نسبت به این تصمیم شکایت کند و بگوید من در اینجا به عنوان متصدی منافع عمومی، از اینها به خاطر از بین بردن منافع عمومی شکایت دارم. در این موارد، دادگستری هم باید نسبت به موضوع رسیدگی کند. ما نسبت به مواردی که در مصوبات مجلس گفته شده باشد: «این تصمیم قطعی است»، ایرادی نگرفته‌ایم؛ چون تصمیم مقامات باید قطعی بشود تا در دادگستری قابل شکایت و اعتراض باشد؛ اما زمانی که در مصوبه‌ای به دنبال «قطعی بودن تصمیم» گفته شود: «این تصمیم لازم‌الاجرا است»، این مفهوم را می‌رساند که آن تصمیم قابل

شکایت در دادگستری نیست. ما [در شورای نگهبان] همه‌جا [نسبت به همه‌ی مصوبات، تا کنون] این مطلب را گفته‌ایم.

آقای مؤمن- از طرف چه کسی [قابل شکایت در دادگستری نیست]؟

آقای علیزاده- مثلاً مسئولان سازمان حفاظت محیط‌زیست.

آقای مؤمن- خب، [سازمان حفاظت محیط زیست هم جزء] دولت است.

آقای علیزاده- سازمان حفاظت محیط زیست، جزء دولت است، ولی می‌گوید که از این جهت، من متصدی منافع عمومی هستم.

آقای مؤمن- این پنج عضو هیئت حل اختلاف هم [متصدی منافع عمومی] هستند.

آقای علیزاده- نیستند.

آقای مؤمن- هستند.

آقای علیزاده- اعضای عضو هیئت حل اختلاف، هر کدام متصدی اموری هستند؛ یکی متصدی ارائه‌ی مجوز معدن است و دیگری متصدی فلان کار و... است. حالا در یک مصداق، ممکن است مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست معتقد باشند مجوزی که هیئت حل اختلاف برای بهره‌برداری از یک معدن داده است، خلاف قانون است. خب، در اینجا سازمان حفاظت محیط زیست، به دلیل مغایر با قانون بودن تصمیم هیئت حل اختلاف، می‌خواهد به دادگستری شکایت کند؛ چرا نباید بتواند به دادگستری برود و از این بابت شکایت کند؟!

آقای مؤمن- چرا شکایت بکند؟!

آقای علیزاده- شما همه‌جا در همه‌ی قوانین پذیرفته‌اید که سازمان حفاظت محیط زیست خودش به عنوان مدعی می‌تواند به دادگستری برود و شکایت بکند. زمانی که اشخاص، بخشی از جنگل را از بین ببرند، جنگلبانی می‌تواند به عنوان مدعی وارد شود و...^(۱) آن وقت اینجا می‌گویید که سازمان حفاظت محیط زیست نمی‌تواند به

۱. ماده (۵۴) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶/۵/۲۵: «ماده ۵۴- مأمورین جنگلبانی که به موجب احکام سازمان جنگلبانی مأمور کشف و تعقیب جرائم مذکور در این قانون می‌شوند، در ردیف ضابطین دادگستری محسوب و از این حیث تحت تعلیمات دادستان محل، انجام وظیفه خواهند نمود.

تبصره ۱- در صورتی که مأموران مذکور بر خلاف واقع به منظور نفع شخصی و یا اعمال غرض،

عنوان مدعی وارد شود؟!

آقای ابراهیمیان- این هم حتی کافی نیست؛ یعنی غیر از سازمان حفاظت محیط زیست باید به اشخاص عادی هم اجازه داد تا هر موقع مشاهده کردند که محیط زیست در حال تخریب است، بتوانند شکایت کنند.

آقای عزیزاده- بله، من هم موافقم.

آقای ابراهیمیان- مثلاً شورای اسلامی محل [باید حق شکایت داشته باشد تا بتواند در دادگاه] برود بگوید سازمان حفاظت محیط زیست و معدن دارها با هم دارند [محیط زیست را تخریب می کنند]. دولت ها خیلی انگیزه ای برای رعایت ملاحظات زیست محیطی ندارند و به نفع دولت است که مجوزهای بهره برداری صادر کند، [چون از بهره برداران علاوه بر حق الامتیاز،] مالیات می گیرد و از این راه درآمد کسب می کند. بنابراین، گاهی خود دولت این کار [= تخریب محیط زیست] را انجام می دهد. به همین دلیل، اصل (۵۰) قانون اساسی گفته است که حفظ محیط زیست وظیفه ای عمومی است. از این جهت، به نظرم چون در این مصوبه، مکانیزم و طرح مربوط به حمایت از منافع عمومی پیش بینی نشده است، [این مصوبه اشکال دارد]. از آنجایی که اصل (۵۰) قانون اساسی حفاظت از محیط زیست را وظیفه ای عمومی می داند، ما باید واقعاً این کلمات را [در اظهار نظر شورا] به زبان در بیاوریم و مجلس را مجبور کنیم

→

گزارش خلاف واقع بدهند، به کیفر جرمی که موضوع گزارش بوده محکوم خواهند شد.

تبصره ۲- مأمورین کشف و تعقیب جرائم که از طرف سازمان جنگلبانی تعیین می شوند، از حیث اجرای این قانون وقتی ضابط دادگستری محسوب می شوند که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص تعلیم گرفته باشند.

تبصره ۳- مأموران سازمان جنگلبانی که دارای معرفی نامه از طرف سازمان مزبور می باشند، با تحصیل نمایندگی از طرف دادستان مجازند کلیه کارخانجات صنایع چوب و همچنین انبارها را در هر موقع که لازم بدانند بازرسی و در صورت کشف چوب غیرمجاز نسبت به بازداشت آن اقدام و با تنظیم صورت مجلس مراتب را به دادسرای محل اطلاع دهند.

تبصره ۴- در صورتی که مأمورین جنگلبانی خود مرتکب جرایم مذکور در این قانون گردند یا شرکت و معاونت در آن نمایند، به حداکثر مجازات مقرر در این قانون محکوم می شوند و در صورتی که مسامحه در اجرای مقررات قانون یا آیین نامه های مربوطه نمایند، به حبس تأدیبی از یک ماه تا سه ماه محکوم خواهند شد.»

که امکان حفاظت از محیط زیست را از حیث عمومی در این مصوبه پیش‌بینی نکند.
آقای جنتی- ما باید بگوییم در مواردی که نظر هیئت حل اختلاف، موجب تضییع حقوق عمومی باشد، خلاف شرع است.

آقای رهپیک- نه، اگر آن را بگوییم، یکی دیگر باید بیاید و آن موضوع را تشخیص بدهد.
آقای مؤمن- مگر «حقوق عمومی» چیست؟ همه‌ی دولت، [در راستای حفظ] حقوق عمومی است.

آقای علیزاده- ما باید بگوییم [نظر هیئت حل اختلاف]، قابل شکایت است.
آقای رهپیک- خب، معنای «قطعی و لازم‌الاجرا» این است که فقط نسبت به این دستگاه‌ها قطعی و لازم‌الاجرا نیست.

آقای علیزاده- بله، برای همه لازم‌الاجرا است.
آقای رهپیک- مطلقاً برای همه لازم‌الاجرا است. مثل آراء بقیه‌ی مراجع قضایی که وقتی رأیی صادر و قطعی می‌شود، برای همه قطعی است؛ هم برای طرفین دعوا و هم ثالثی که می‌خواهد وارد دعوا بشود. حالا فرض بفرمایید معنای قطعی و لازم‌الاجرا همین باشد - که ظاهراً معنایش همین است - چون قطعی و لازم‌الاجرای نسبی که نداریم تا بگوییم نسبت به دو طرف قطعی و لازم‌الاجرا است، ولی نسبت به بقیه لازم‌الاجرا نیست! نسبت به هر کس که احیاناً بخواهد به این دعوا ورود پیدا بکند، قطعی و لازم‌الاجرا است. از طرف دیگر توجه کنید که طرف دعوای این هیئت حل اختلاف، فقط سازمان حفاظت محیط زیست نیست، بلکه احتمالاً یک طرف دعوای این هیئت، اشخاص خصوصی هستند؛ یعنی ممکن است درخواست‌کننده‌ی پروانه‌ی بهره‌برداری از معدن، شخص خصوصی باشد.

آقای هاشمی‌شاهرودی- یعنی می‌خواهید بگویید که تبصره (۵) می‌گوید اشخاص خصوصی حق ندارند به دادگستری شکایت کنند و مثلاً ادعای مالکیت خویش نسبت به آن معدن را در دادگستری مطرح کنند؟! آیا واقعاً این مصوبه، چنین چیزی را می‌خواهد بگوید؟!

آقای رهپیک- نه، این مصوبه، متعرض دعوای ملکیت و مالکیت نشده است.
آقای هاشمی‌شاهرودی- پس حق عمومی و خصوصی نداریم دیگر. قطعاً این تبصره (۵) الحاقی نمی‌گوید که اگر کسی بعد از صدور رأی قطعی و لازم‌الاجرای هیئت حل اختلاف، مدارک و شواهدی داشت، نمی‌تواند نسبت به آن رأی در دادگستری طرح شکایت کند.

آقای رهپیک - اصلاً باید ببینیم موضوع این مصوبه چیست. بگذارید اول موضوع این مصوبه، مشخص بشود. تبصره (۵) الحاقی می‌گوید: سازمان صنعت، معدن و تجارت از دستگاه‌های اجرایی در خصوص معدنی استعمال کرده است که در آن محل، معدن زده شود یا نه؟ ذی‌نفعش کیست و...؟ خوب، ممکن است در بسیاری از موارد، ذی‌نفع آن معدن، اشخاص خصوصی و حقیقی باشند [و این اشخاص، متقاضی صدور پروانه‌ی معدن باشند]. حالا بعد از آمدن پاسخ استعمال، سازمان صنعت، معدن و تجارت استان به این پاسخ ارائه شده از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط، اعتراض کرده است [و هیئت حل اختلاف هم در این خصوص رأی صادر کرده است]. بنابراین، در این موارد ممکن است معترض رأی هیئت، سازمان حفاظت محیط زیست باشد، ممکن است آن ذی‌نفعی باشد که جواب استعمالش بد آمده است و می‌خواهد اعتراض کند. اگر معنای این حرف این باشد - که ظاهر تبصره هم همین است و از این ادبیات همین معنا برداشت می‌شود - «قطعی و لازم‌الاجرا» یعنی هیچ‌کدام از اینها به جای دیگر نمی‌توانند شکایت کنند. اگر معنایش این باشد، خوب، در بسیاری از موارد، حق آن کسی که درخواست پروانه کرده و الآن مدعی است، ضایع می‌شود. هیئت حل اختلاف می‌گوید پروانه‌ی استعمال این متقاضی، بد بوده است و من به این اعتراض رسیدگی می‌کنم و رأی قطعی صادر می‌کنم و متقاضی نمی‌تواند به جای دیگری مانند سازمان حفاظت محیط زیست، شهرداری، اداره‌ی برق یا هیچ‌جای دیگر شکایت کند. اگر کسانی که درخواست پروانه می‌کنند، فقط سازمان حفاظت محیط زیست و یا نمایندگان دولت بودند، خوب، [ممکن بود بگوییم این تبصره ایراد ندارد] ولی غالباً کسانی که درخواست پروانه‌ی راه‌اندازی یا حق بهره‌برداری معدن ارائه می‌کنند، اشخاص خصوصی هستند. خوب، معنای این تبصره، این است دیگر؛ یعنی علی‌الاطلاق هیچ‌کس نمی‌تواند به این رأی صادر شده از سوی هیئت حل اختلاف اعتراض کند. معنای ظاهر این تبصره، این است، مگر اینکه قرینه‌ای داشته باشیم که بگوییم چنین معنایی نمی‌دهد که چنین قرینه‌ای هم نداریم.

آقای مؤمن - ...

آقای رهپیک - نه، الآن اگر در آراء دادگاه‌ها هم بنویسند که «این رأی، قطعی و لازم‌الاجرا است»؛ یعنی شخص نمی‌تواند [برای اعتراض به] جای دیگر برود.

آقای مدرسی یزدی - من نسبت به این تبصره (۵) الحاقی یک ابهامی دارم. فرض کنید کسی تقاضای پروانه بهره‌برداری از معدنی را ارائه کرده است. سازمان صنعت، معدن و تجارت باید از دستگاه‌های اجرایی متفاوت، از جمله مثلاً سازمان حفاظت محیط زیست استعلام بکند. تشخیص سازمان حفاظت محیط زیست یا وزارت بهداشت - که تخصص رسیدگی به این مسائل را دارند - این است که مثلاً اگر این معدن استخراج بشود، پرتوزا است و ممکن است افرادی را به سرطان یا بیماری‌های خونی و امثال اینها مبتلا بکند، اگرچه خود مردم به این ضرر آگاهی ندارند و متوجه آن نمی‌شوند؛ یا اینکه نصب بعضی دکل‌ها ایجاد تشعشعاتی می‌کند که موجب عقیم شدن انسان‌ها می‌شود. خوب، این موضوع را به سازمان صنعت، معدن و تجارت اعلام می‌کند و سازمان صنعت، معدن و تجارت این نظر را قبول نمی‌کند. [برای حل این اختلاف]، هیئت حل اختلاف را در این تبصره (۵) الحاقی قرار داده‌اند که به این اختلاف رسیدگی کند. خوب، ما واقعاً نمی‌دانیم که آیا این هیئت، تخصص لازم برای رسیدگی به این اختلافات را دارد یا نه و آیا حرف این هیئت، حجیت شرعی لازم را برای کنار گذاشتن ادعای محیط زیست دارد یا نه و آیا واقعاً بهره‌برداری از این معدن برای جان مردم ضرر دارد یا خیر. خوب، ممکن است این نوع اشکال وجود داشته باشد. اگر وجود کارشناسان ذکرشده در تبصره (۵) الحاقی مانند استاندار یا معاونش و رئیس سازمان صنعت و معدن و ... در این هیئت کافی است و این افراد شرعاً می‌توانند در خصوص این موضوع تصمیم‌گیری بکنند و قولشان می‌تواند حجت باشد، خوب حرفی نیست و این مصوبه، اشکالی ندارد، ولی اگر کافی نباشد، باید حداقل یک قاضی در این هیئت عضو باشد و او در این موارد، قضاوت بکند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - قاضی این موارد علمی را بهتر می‌فهمد؟! این چه حرفی است؟!

آقای مدرسی یزدی - خوب، قاضی به مبانی [فقهی و شرعی و حقوقی] مطلع است و بدون مبنا حرف نمی‌زند. می‌فهمد چه کار باید بکند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این کار کارشناسی علمی است. اینکه آیا بهره‌برداری از یک معدن، باعث ایجاد گازهای سمی می‌شود را قاضی می‌فهمد؟! قاضی هم این مسائل را باز به کارشناس ارجاع می‌دهد. بررسی این موضوع، اصلاً بحث حقوقی نیست. این بحث مصلحت و عدم مصلحت است؛ بحث قضایی نیست.

آقای مدرسی یزدی - بله، شاید آنها هم این‌طور مسائل را نفهمند. البته من گفتم این

موضوع برای من ابهام دارد. نمی‌دانم اشکال قطعی دارد یا نه؟

آقای یزدی- ولی به نظر من قطعاً اشکال دارد و اشکال هم وارد است. همان‌طور که ایشان [آیت‌الله مدرسی یزدی] می‌فرمایند، واقعاً قاضی با مبانی علمی و حقوقی کار می‌کند؛ یعنی آنجا که موضوع را نمی‌تواند خودش تشخیص بدهد به کارشناس ارجاع می‌دهد.

آقای هاشمی‌شاهرودی- کارکرد همین هیئت هم همین‌طور است.

آقای یزدی- قاضی بعداً بالأخره به مسئله علم پیدا می‌کند و رأیش را صادر می‌کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی- [موضوعات مطرح در این هیئت]، دعوایی نیست که قاضی بخواهد قضاوت کند.

آقای یزدی- این مسئله، یک واقعیتی است؛ چون مصادیق خارجی زیادی هم دارد. در خارج هم ما می‌بینیم که مثلاً معدنی در جایی زده شده است و رودخانه و زمین‌های اطرافش و حتی مردم و سکنه آنجا دارند آسیب می‌بینند؛ یا در کنار یک رودخانه یک کارخانه آجرپزی درست کرده‌اند و هکذا. منظورم این است که بالأخره موارد بدین شکل وجود دارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی- اگر سکنه [از احداث این معدن] ضرر می‌بینند، می‌توانند بروند شکایت کنند.

آقای یزدی- نه من فقط سؤال از آقای علیزاده این است که آیا لازم‌الاجرا بودن آراء هیئت حل اختلاف در این مصوبه، حق مراجعه افراد به دادگستری را می‌گیرد یا نمی‌گیرد؟

آقای هاشمی‌شاهرودی- نمی‌گیرد.

آقای یزدی- اگر این حق را از افراد سلب می‌کند، اشکال دارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی- سلب نمی‌کند.

آقای یزدی- همین. موضع بحث اینجاست. اگر این مسئله حل بشود، بالأخره حتی از کسی تزییع نمی‌شود.

آقای علیزاده- همیشه در مصوبات، اگر رأیی لازم‌الاجرا دانسته می‌شود، ما می‌گفتیم معنای «لازم‌الاجرا» این است که افراد نمی‌توانند از آن رأی در دادگستری شکایت کنند.

آقای یزدی- اگر عبارت «لازم‌الاجرا بودن رأی هیئت» در این مصوبه، حق مراجعه به دادگستری را سلب کند، اشکال دارد، ولی اگر نه، اشکال ندارد.

آقای ابراهیمیان- در تبصره (۴) ماده (۱۲) [قانون معادن الحاقی ۱۳۹۰/۸/۲۲] گفته

است: «تبصره ۴- تصمیمات شورای عالی معادن با حداقل چهار رأی، قطعی و لازم‌الاجرا است، ولی این امر مانع اعتراض در دیوان عدالت اداری نیست.» اما اینجا [در تبصره (۵) الحاقی به ماده ۲۴ مکرر] این‌طور نگفته است.

آقای عزیزاده- اینجا، این را نگفته است.

آقای یزدی- افراد باید بتوانند به دادگستری مراجعه کنند.

آقای مدرسی یزدی- البته آن طرف مسئله را هم در نظر بگیرید که سازمان حفاظت محیط زیست به اسم حفظ محیط زیست روی هر جایی دست می‌گذارند.

آقای هاشمی‌شاهرودی- [و با این استناد] جلوی هر کاری را می‌گیرند.

آقای یزدی- خب، حالا آن یک بحث جدایی است که آیا واقعاً [مصلح واقعی] را رعایت می‌کنند یا نمی‌کنند؟

آقای عزیزاده- بله، اگر محیط زیست در ده جا بی‌جهت جلوی فعالیتی را بگیرد، ولی در یک مورد به حق جلوی فعالیتی که محیط زیست را تخریب می‌کند بگیرد، باز ارزش دارد.

آقای مؤمن- من خواهش می‌کنم توجه بفرمایید.

آقای یزدی- حق مراجعه به قاضی یکی از حقوق مسلم عمومی است.

آقای مؤمن- ما همین را می‌گوییم. من ماده (۲۴) را می‌خوانم: «ماده ۲۴- جهت تسریع در امر اکتشاف و بهره‌برداری از معادن، دستگاه‌های اجرایی و متولیان قانونی مربوط مکلفند حداکثر ظرف دو ماه نسبت به استعلام وزارت صنعت، معدن و تجارت جهت صدور پروانه اکتشاف در موارد ذیل اعلام نظر نمایند:

الف- حریم قانونی راه‌ها و راه‌آهن» که مربوط به معادنی است که در کنار راه‌ها و راه‌آهن هستند.

ب- داخل شهرها و حریم قانونی آنها؛

پ- حریم قانونی سدها و شبکه‌های توزیع آب و حوضچه‌های سدها و قنوت» که اشخاص هم ممکن است در قنوت [ذی‌نفع] باشند.

ت- داخل جنگل‌ها و مراتع» که قهراً مربوط به معادنی است که در حریم جنگل‌ها و مراتع هستند.

ث- حریم اماکن مقدسه و ابنیه تاریخی» مثل حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها)

و حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) و جاهای دیگر و یا امامزاده‌ها.

«ج- حریم پادگان‌ها و محل استقرار نیروهای مسلح؛

چ- مناطقی با عنوان پارک ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه حیات وحش و حفاظت شده

ح- حوزه‌های دارای مواد پرتوزا بیش از حد مجاز

استعلام از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت و فقط

یک بار برای صدور پروانه اکتشاف انجام می‌گیرد.» یعنی اگر [دستگاه‌های اجرایی

ذی‌ربط] گفتند [صدور پروانه اکتشاف] ایراد دارد، [سازمان صنعت، معدن و تجارت]

باید به آن نظرات توجه کند.

آقای عزیزاده- اگر [دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط] بگویند پروانه اکتشاف نباید صادر

شود [و سازمان صنعت، معدن و تجارت به نظر آنها اعتراض داشته باشد] موضوع در

هیئت حل اختلاف مطرح می‌شود. ما باید به این سیر توجه بکنیم.

آقای مؤمن- «پروانه اکتشاف توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت حداکثر سه ماه

پس از استعلام صادر می‌شود. اعلام نظر باید برای کل محدوده مورد تقاضا صورت

گیرد و عدم اعلام نظر در مهلت مقرر به منزله موافقت دستگاه‌های مذکور تلقی

می‌شود.» [دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط] باید حداکثر در مدت سه ماه نسبت به سؤالی

که از آنها می‌شود، اعلام نظر بکنند. عده‌ای [از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط] دولتی و

عده‌ای خصوصی هستند. همه‌ی دستگاه‌های اجرایی دولتی مانند سازمان جنگل‌ها و

مراعات، پادگان‌ها و محل استقرار نیروهای مسلح، مناطق پارک ملی، حوزه‌های دارای

مواد پرتوزا و... همه در اختیار دولت است. قسمتی از این دستگاه‌های اجرایی هم

شخصی‌اند؛ مثل حریم قانونی قنوات که دارای مالک شخصی است و قهراً آن کسی که

باید جواب بدهد، متصدی، متوکی و مالک قنات است.

آقای عزیزاده- چرا این را می‌فرمایید؟

آقای مؤمن- پس چه؟

آقای عزیزاده- تعیین حریم قنوات، با وزارت نیرو است [و آنها باید به استعلام جواب

بدهند].^(۱)

۱. تبصره ماده (۱۷) قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶: «تبصره- تشخیص حریم چاه و قنات و مجرا با کارشناسان وزارت نیرو است و در موارد نزاع، محاکم صالحه پس از کسب نظر از

آقای مؤمن- بعضی از قنوات، مالک شخصی دارند.

آقای علیزاده- بله، [اگرچه قنات دارای مالک خصوصی] باشد، ولی وزارت نیرو می‌گوید که بهره‌برداری از این معدن در حریم قنات هست یا نیست.

آقای مؤمن- نخیر، خود مالک یا متولیان [قنوات باید پاسخ بدهند].

آقای علیزاده- اصلاً [تبصره (۵) الحاقی] نمی‌گوید [مالک یا متولیان قنوات باید پاسخ استعلام‌ها را بدهند. می‌گوید] ادارات [دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط] باید به استعلام جواب بدهند.

آقای مؤمن- نخیر، تنها ادارات نیستند [که باید به استعلام پاسخ بدهند].

آقای علیزاده- چرا.

آقای مؤمن- [صدر ماده (۲۴) گفته است که] «دستگاه‌های اجرایی و متولیان قانونی [مربوط مکلفند حداکثر ظرف دو ماه نسبت به استعلام وزارت صنعت، معدن و تجارت، جهت صدور پروانه اکتشاف در موارد ذیل اعلام نظر نمایند]». ممکن است متولّی قانونی، خودش مالک باشد [و او باید به استعلام پاسخ بدهد].

آقای علیزاده- «متولّی قانونی» در خصوص موقوفات استفاده می‌شود.^(۱)

→

کارشناسان مزبور به موضوع رسیدگی خواهند کرد.» جهت مطالعه بیشتر در این خصوص نگاه کنید به بشیری، عباس و دیگران، نظام حاکم بر حقوق کاربردی آب، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲؛ مدنیان، غلامرضا، «حفاظت قانونی از قنوات و منابع آب‌های زیرزمینی»، قابل دسترسی در سایت www.ensani.ir.

۱. با بررسی قوانین و آیین‌نامه‌های متعدد در حوزه‌ی وقف، می‌توان تعاریف زیر را از متولی موقوفه استخراج کرد:

ماده (۴) قانون اوقاف مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۲: «ماده ۴- متولی موقوفه کسی است که به‌موجب مقررات قانونی مدنی، واجد این سِمَت باشد. تولید متولی باید به‌وسیله شعبه تحقیق اوقاف گواهی شود. اشخاص ذی‌نفع پس از ابلاغ تصمیم شعبه تحقیق در صورتی که معترض باشند، می‌توانند ظرف ده روز اعتراض‌نامه خود را به هیئت تجدید نظر اوقاف تسلیم کنند. پس از انقضای مدت گواهی شعبه تحقیق اوقاف و تصمیم هیئت تجدید نظر، از ناحیه اشخاص ذی‌نفع قابل شکایت در دادگاه شهرستان است و حکم دادگاه در این موارد قابل پژوهش و فرجام می‌باشد. همین حکم در مورد ثلث، نذر و حبس نیز جاری است.»

ماده (۴) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲: «ماده ۴- متولی موقوفه کسی است که به موجب مفاد وقف‌نامه و مقررات قانون مدنی یا این قانون، واجد این سِمَت باشد. در مورد اعتراض اشخاص با رعایت مواد (۱۴) تا (۱۷) این قانون اقدام خواهد شد.»

←

آقای مؤمن - نخیر، مالک [با متوکی قانونی] فرقی نمی‌کند.

آقای عزیزاده - نه.

آقای مؤمن - عجب حرفی می‌زنید! [قنات]، ملک شخصی من است، ولی متوکی من دیگری است؟! در مورد حریم اماکن مقدسه و ابنیه تاریخی باید عرض کنم که همه‌ی اماکن مقدسه مثل آستان مقدس حضرت رضا (علیه‌السلام)، حضرت معصومه (علیها‌السلام)، یا امامزاده احمد بن موسی شاه‌چراغ (علیه‌السلام) یا به طور کلی امامزاده‌ها متوکی شخصی دارند. از سوی دیگر، به طور کلی کسی که نسبت به پاسخ استعمال اعتراض دارد، یا دولتی است یا غیردولتی؛ اگر این معترض، غیردولتی است، مثل اشخاص متوکی آستان‌های مقدس امامان و امامزادگان یا صاحبان قنوت، اینها جزء «متولیان قانونی» نیستند. شکایت این متقاضی، شکایت شخصی شخص غیردولتی است. این شخص به موجب عموم اصل (۱۵۹) قانون اساسی که گفته است: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است»، می‌تواند به دادگستری شکایت کند؛ چون مرجع شکایات این افراد دادگستری است. ولی اگر شاکی، خود دولت [و یا دستگاه‌های دولتی] باشد، تبصره (۵) الحاقی می‌گوید به اعتراض دستگاه‌های دولتی نسبت به پاسخ استعمال‌ها، کارشناسان هیئت حل اختلاف - که در ماده (۲۴) مکرر قانون معادن بیان شده است - رسیدگی می‌کنند. اگر حرف دستگاه‌های دولتی درست باشد، هیئت، مطابق آن حکم می‌کند و اگر حرفشان درست نباشد، دعوا را رد می‌کنند. موضوع تبصره (۵) الحاقی، مواردی است که هیئت حل اختلاف به سازمان صنعت، معدن و تجارت پاسخ می‌دهد. در چنین مواردی، کاری به شاکی خصوصی غیردولتی ندارد. صدر تبصره (۵) الحاقی می‌گوید: «در صورتی که سازمان صنعت، معدن و تجارت استان به پاسخ‌های استعمال از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اعتراض داشته باشد؛ یعنی شاکی، مسئول سازمان صنعت، معدن و تجارت استان است که یک مقام دولتی است. اگر این شخص [به پاسخ‌های استعمال از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط]

→

ماده (۱۳) آیین‌نامه اجرایی قانون اوقاف مصوب ۱۳۵۵/۰۳/۱۷: «ماده ۱۳- متولی، امین وقف است و موظف است با توجه به قوانین موضوعه و مقررات مربوط، موقوفات تحت تولیت خود را طبق مدلول وقف‌نامه و با نظارت سازمان اوقاف اداره کند و در حفظ و نگهداری عین و منافع و حقوق موقوفه مجاهدت نماید.»

اعتراض داشته باشد، «موضوع به هیئت حل اختلاف موضوع ماده (۲۴ مکرر) ارجاع می‌شود تا حداکثر ظرف پانزده روز در مورد آن تعیین تکلیف گردد. جلسات این هیئت حداقل با حضور پنج نفر رسمیت می‌یابد و رأی آن با اکثریت مطلق عده حاضر قطعی و لازم‌الاجرا است»؛ یعنی هیئت حل اختلاف به مسئول سازمان صنعت، معدن و تجارت استان می‌گوید: [این رأی، قطعی و لازم‌الاجرا است و] تو حق نداری نسبت به آن اعتراض کنی؛ اما این تبصره اصلاً متعرض مواردی که شاکی یک نفر شخص غیردولتی باشد، نیست. تبصره مربوط به مواردی است که شاکی، مسئول سازمان صنعت، معدن و تجارت استان باشد نه اینکه شاکی، مثلاً آستان‌های مقدس باشد.

آقای علیزاده- در همین تبصره، در مواردی شاکی می‌تواند اشخاص خصوصی یا آستان‌های مقدس باشند.

آقای مؤمن- نه، آنها [طبق این تبصره] شاکی نیستند. آنها حق [اقامه‌ی دعوی در هیئت حل اختلاف مذکور در تبصره (۵) را] ندارند. این، نظر شما [آقای علیزاده] است [که اینها را واجد چنین صلاحیتی می‌دانید]. در این موارد، اگر یکی از آستان‌های مقدس شاکی باشد، اصلاً این شکایت در این هیئت حل اختلاف مطرح نمی‌شود و اصلاً مشمول حکم این تبصره نیست. اگر قنات، ملک شخصی من است، کسی نمی‌تواند نظر بدهد [که در حریم آن، اکتشاف و بهره‌برداری از معدن بشود یا نه]. من در ملک شخصی خودم می‌گویم از حق شخصی خودم گذشتم و اجازه دادم و مسئله، تمام می‌شود. آن کسی که از طرف دولت برای کارهای دولتی قرار داده شده است، کاره‌ای نیست که شکایت بکند یا نکند. من در مواردی می‌توانم شکایت بکنم که [موضوع دعوا] مربوط به شخص خودم باشد، اما اگر دستگاه‌های دولتی شاکی باشند، این تبصره نسبت به آنها اجرا می‌شود. [اگر این‌طور به مسئله نگاه کنیم]، آن وقت ابهام جناب آقای مدرسی [-] که می‌فرمایند باید در بین افراد هیئت حل اختلاف، قاضی وجود داشته باشد تا جوانب شرعی تصمیم‌گیری نسبت به استعلام رعایت شود [-] هم برطرف می‌شود؛ زیرا [با این توضیح]، ابهامی وجود ندارد. و الا اگر بپذیریم که رأی هیئت حل اختلاف، نسبت به اشخاص خصوصی غیردولتی هم قطعی و لازم‌الاجرا است، بسیاری از حقوق این افراد تضییع می‌شود. بنابراین، اگر کسی که خارج [از دولت] است و اصلاً دولتی نیست، می‌خواهد شکایت بکند، اصلاً به دادگستری

شکایت می‌کند و به اینها شکایت نمی‌کند. اینها عرض من است.

آقای عزیزاده- بینید همین‌جا در بندهای مختلف ماده (۲۴) قانون معادن، دستگاه‌های اجرایی مختلفی نام برده شده است که باید اظهار نظر کنند [که آیا معدنی که می‌خواهد برای آن مجوز اکتشاف و بهره‌برداری صادر شود، در حریم آنها است یا نه]. این دستگاه‌ها اصلاً به فرد متقاضی پاسخ نمی‌دهند. اگر دستگاهی بگوید که این معدن در حریم آن دستگاه - مثلاً اماکن مقدسه یا قنوت- است [و سازمان صنعت، معدن و تجارت استان به پاسخ‌های استعلام از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اعتراض داشته باشد]، این مسئله در هیئت حل اختلاف مطرح می‌شود. مثلاً متولی آستان امام رضا (علیه‌السلام) می‌گوید که این معدن در حریم اماکن و اراضی مقدس حضرت امام رضا (علیه‌السلام) است. [اگر سازمان صنعت، معدن و تجارت استان خراسان رضوی به این نظر استان قدس اعتراض داشته باشد]، این هیئت رسیدگی می‌کند و در رأی خودش می‌گوید: بله، معدن در حریم مقدس حضرت امام رضا (علیه‌السلام) هست یا می‌گوید: نه، اینها بی‌خود می‌گویند، در حریم نیست. به هر حال، این رأی قطعی و لازم‌الاجرا است.

آقای مدرسی‌یزدی- نه.

آقای عزیزاده- چرا می‌فرمایید نه؟ شما چرا چنین مواردی را [از تحت عموم حکم تبصره] جدا می‌کنید؟ ضمن اینکه ما در همه‌جا معتقدیم و می‌گوییم [آراء نهادهای شبه قضایی باید] قابل شکایت باشد.

آقای مؤمن- به هر صورت، این مصوبه مربوط به چنین مواردی نیست.

آقای عزیزاده- یا مثلاً وزارت نیرو [در پاسخ استعلام سازمان صنعت، معدن و تجارت] می‌گوید: این معدن در حریم قنات فلان روستا است [و استخراج معدن به منابع آب روستا لطمه وارد می‌کند].

آقای مؤمن- نه، [در صورتی که مالک خصوصی داشته باشد، وزارت نیرو نمی‌تواند نسبت به آن اظهار نظر کند].

آقای مدرسی‌یزدی- این مثال درست است.

آقای عزیزاده- [دستگاه اجرایی در پاسخ استعلام، تقاضای متقاضی برای احداث معدن را] رد می‌کند. بعد با اعتراض [سازمان صنعت، معدن و تجارت به پاسخ استعلام]، هیئت حل اختلاف رأی خود را صادر می‌کند و می‌گوید این رأی قطعی است. این

مطالب را نفرمایید. چرا شما اینها را تفکیک می‌فرمایید؟ شاکی، سازمان صنعت، معدن و تجارت است و متشاکي آن اداره‌ای است که اجازه‌ی بهره‌برداری از معدن را به شخص نداده است. سازمان صنعت، معدن و تجارت به هیئت حل اختلاف می‌گوید که فلان اداره این تقاضا را رد کرده است و من به همین دلیل شاکی‌ام. شاکی، فرد متقاضی نیست، [بلکه] سازمان صنعت، معدن و تجارت، شاکی است، نه شخص [یا دستگاه اجرایی] که مالک زمینی است که معدن در آن واقع شده است.

آقای رهپیک- بله، [سازمان صنعت، معدن و تجارت، در چنین مواردی] شاکی است.

آقای عزیزاده- [سازمان صنعت، معدن و تجارت،] از اینکه به او گفته‌اند تو حق نداری پروانه اکتشاف و بهره‌برداری معدن را به متقاضی بدهی، شاکی است.

آقای مؤمن- [دوباره تبصره (۵) الحاقی را] بخوانید. نه، [موضوع تبصره،] این نیست.

آقای عزیزاده- پس چیست؟

آقای مؤمن- [سازمان صنعت، معدن و تجارت] از پاسخ‌های استعمال، شاکی است.

آقای عزیزاده- [بله،] همان است.

آقای مدرسی‌یزدی- [موضوع اختلاف،] درباره‌ی پروانه معادن است.

آقای عزیزاده- [بله، موضوع اختلاف] درباره‌ی پروانه است.

آقای ابراهیمیان- پاسخ استعمال‌ها منتهی به عدم صدور پروانه شده است.

آقای عزیزاده- [موضوع اختلاف،] درباره‌ی پروانه است؛ نه اینکه چون فلان اداره جواب استعمال را نداده است، من شاکی‌ام. فلان اداره جواب استعمال را داده [و با صدور جواز اکتشاف و بهره‌برداری معدن مخالفت کرده] است و چون بر خلاف نظر سازمان صنعت، معدن و تجارت نظر داده است، این سازمان شاکی است. بعد، این مطلب در هیئت حل اختلاف بحث می‌شود [و در آنجا رأی قطعی و لازم‌الاجرا صادر می‌کنند].

آقای یزدی- [رأی هیئت حل اختلاف] باید در دادگستری قابل شکایت باشد.

آقای عزیزاده- بله، ایراد ما همین است.

آقای ابراهیمیان- این مثال‌ها، یک مقداری ما را [از بحث اصلی دور کرده است]. در قانون اساسی چند مفهوم است که به این مصوبه مربوط است: یکی بحث لزوم رشد و توسعه اقتصادی است؛ یکی بحث حق مراجعه‌ی مردم به دادگستری است؛ و یکی هم بحث لزوم حفاظت از محیط‌زیست. شأن نزول حضور سازمان حفاظت محیط‌زیست،

سازمان آب، سازمان جنگل‌ها و مراتع و دیگر دستگاه‌های اجرایی در ماده (۲۴) قانون معادن، [رعایت توأمان] این سه مسئله است. معمولاً موقع بهره‌برداری از معادن، [در رابطه با این دستگاه‌های اجرایی] مشکلاتی ایجاد می‌شود و در نهایت دستگاه‌های اجرایی می‌گویند: ما اجازه بهره‌برداری نمی‌دهیم و عملیات اجرایی معادن، قفل می‌شود. از طرفی هم، چون دولت می‌خواهد چرخ اقتصاد و بهره‌برداری از معادن راه بیفتد، می‌خواهد به هر شکلی این مزاحمت را از سر راه بردارد. [قانون‌گذار] به‌منظور جلوگیری از این مشکلات، در این تبصره (۵) الحاقی مثلاً به سازمان حفاظت محیط زیست گفته: سازمان محیط زیست، اگر می‌گویی من نسبت به احداث این معدن راضی نیستم، بیا در یک هیئت حل اختلاف - که اکثریتش هم دیگر دست تو نیست - ما نظرات شما را بررسی کنیم و رأی می‌دهیم که آیا بهره‌برداری از این معدن، خلاف شرایط حفظ محیط زیست مورد ادعای شما است یا نه؟

آقای علیزاده- بله.

آقای ابراهیمیان- حالا اینجا دو تا مسئله مطرح می‌شود: یک مسئله از این حیث است که اگر هیئت حل اختلاف گفت: بله، ما تأیید می‌کنیم که جواب سازمان حفاظت محیط زیست درست است [و بهره‌برداری از این معدن، موجب خسارات زیست‌محیطی می‌شود]، آیا شخص ذی‌نفع متقاضی پروانه‌ی معدن که با این تصمیم هیئت، متضرر شده، حق دادخواهی دارد و آیا این قانون حق دادخواهی را برای آن شخص پیش‌بینی کرده است یا نه؟

آقای علیزاده- الان، این تبصره [از این جهت] مبهم است.

آقای هاشمی‌شاهرودی- [فرد متقاضی، حق دادخواهی] دارد.

آقای علیزاده- نه، این قطعی نیست [که متقاضی، حق دادخواهی داشته باشد].

آقای ابراهیمیان- حالا اگر مقررات قانون معادن و این مصوبه را کنار همدیگر بگذاریم، قانون‌گذار در جایی تصریح نکرده است که در کنار قطعی و لازم‌الاجرا بودن رأی، متقاضی حق مراجعه به دادگستری را داشته باشد.

آقای علیزاده- [قانون‌گذار، این را نگفته است.

آقای ابراهیمیان- [به نظر] این موضوع [= عدم تصریح قانونی نسبت به حق مراجعه‌ی متقاضیان به دادگاه‌های دادگستری] یک مقدار مانع از تمسک به اطلاعات و

عمومات راجع به حق مراجعه به دادگستری می‌شود. به نظر شما این‌طور نیست؟
آقای یزدی- بالاخره فرد باید بتواند [برای اعتراض به رأی هیئت حل اختلاف] به دادگستری مراجعه کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی- در تبصره (۴) ماده (۱۲) [قانون معادن]، مرجع بالاتر از این هیئت را هم گفته است که می‌توان نسبت به تصمیماتش، اعتراض کرد.^(۱)

آقای ابراهیمیان- خب این [قابلیت اعتراض نسبت به تصمیمات و آراء هیئت حل اختلاف] را نگفته است.

آقای علیزاده- این یکی را نگفته است.

آقای هاشمی‌شاهرودی- در آنجا [تبصره (۴) ماده (۱۲) قانون معادن] نسبت به آراء مرجع بالاتر از هیئت حل اختلاف هم گفته، مانع اعتراض [و تجدیدنظرخواهی در دیوان عدالت اداری] نیست، [اینجا هم به طریق اولی، قابلیت اعتراض از تصمیمات و آراء هیئت حل اختلاف وجود دارد].

آقای ابراهیمیان- قانون‌گذار در اینجا در مقام بیان بوده و [امکان مراجعه به مراجع قضایی را در خصوص تصمیمات و آراء هیئت حل اختلاف] نگفته است.

آقای هاشمی‌شاهرودی- [در تبصره (۴) ماده (۱۲) قانون معادن] گفته می‌توان [به تصمیمات شورای عالی معادن - که از لحاظ سلسله مراتب، مافوق هیئت حل اختلاف است- در دیوان عدالت اداری اعتراض کرد]. وقتی شورای عالی معادن تصمیمی می‌گیرد، تبصره (۴) گفته که قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری است.

آقای علیزاده- حضرات آقایانی که می‌فرمایند قطعی و لازم‌الاجرا بودن آراء هیئت حل اختلاف در تبصره (۵)، ابهام نقض حق مراجعه ذی‌نفعان به دادگستری را دارد، رأی بدهند.

آقای یزدی- بله، اگر معنای «لازم‌الاجرا» این است که نمی‌شود به دادگستری مراجعه کرد، حتماً اشکال دارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی- رأی آورد.

آقای علیزاده- رأی آورد.

آقای ابراهیمیان- ابهام دوم این مصوبه، مربوط به اشخاص ذی‌نفع نمی‌شود، بلکه

۱. «تصمیمات شورای عالی معادن با حداقل چهار رأی، قطعی و لازم‌الاجرا است، ولی این امر مانع اعتراض در دیوان عدالت اداری نیست.»

مربوط به سازمانی می‌شود که در قوانین، به عنوان متکفل خاص یک کار، معین شده‌اند؛ مثل سازمان حفاظت از محیط زیست، سازمان جنگل‌ها و مراتع و... این است که چون در تبصره (۵) می‌گوید «رای اکثریت مطلق اعضای هیئت حل اختلاف، قطعی و لازم‌الاجرا است»، از این جهت که معلوم نیست آیا حق مراجعه این سازمان‌ها به دادگستری را محدود می‌کند یا نه، ابهام دارد.

آقای عزیزاده- ما می‌گوییم این مصوبه به طور کلی از جهت قابلیت اعتراض، ابهام دارد؛ یعنی فرقی نمی‌کند اگر ذی‌نفع یا معترض، دولتی هم باشد و رأی هیئت حل اختلاف را خلاف قانون بداند، می‌تواند اعتراض کند. ما حرفمان این است که از این جهت که معلوم نیست آرای هیئت حل اختلاف در مرجع صالح قضایی قابل شکایت هست یا نیست، ابهام دارد.

آقای ابراهیمیان- خب، بنابراین حتی اگر سازمان حفاظت محیط زیست هم به رأی هیئت حل اختلاف معترض باشد، باید بتواند در دادگستری شکایت کند.

آقای عزیزاده- بله، نسبت به اعتراض همه‌شان، ابهام دارد. تصمیم [هیئت حل اختلاف از جهت قابلیت اعتراض در محاکم دادگستری]، مبهم است.^(۱)

آقای جنتی- آقای عزیزاده بقیه‌اش را بخوانید.

منشی جلسه- «۳- یک ماده به شرح زیر به عنوان ماده (۲۴ مکرر) به قانون الحاق می‌شود:

ماده ۲۴ مکرر- اعضای هیئت حل اختلاف عبارتند از:

۱- استاندار یا معاون ذی‌ربط به عنوان رئیس هیئت؛

۲- رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان به عنوان دبیر هیئت؛

۳- یک نفر کارشناس خبره معدن با معرفی سازمان نظام مهندسی معدن استان»

۴- رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان؛

۵- نماینده دستگاه مورد اعتراض ذی‌ربط؛

۶- یک نفر از بهره‌برداران باتجربه و متخصص در امور معدنی با انتخاب خانه معدن استان و در صورت عدم وجود خانه معدن در استان، با انتخاب خانه معدن کشور؛

۱. نظر شماره ۵۱۹۸۸/۳۰/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۷ شورای نگهبان: «بند (۲) ماده واحده موضوع الحاق تبصره (۵) به ماده (۲۴) قانون، از این حیث که معلوم نیست آیا تصمیمات قطعی هیئت مذکور، قابل شکایت در مرجع صالح قضایی است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

۷- یک نفر حقوقدان آشنا به مسائل معدنی با انتخاب و معرفی رئیس دادگستری استان.»
آقای عزیززاده - رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت که [از مسئولان] دولتی نیست.
آقای هاشمی شاهرودی - چرا، دولتی است.

آقای عزیززاده - نه، رئیس سازمان صنعت و معدن استان، [کارمند دولت] نیست.

آقای رهپیک - چرا دیگر، سازمان صنعت، معدن و تجارت، سازمانی دولتی است.

آقای هاشمی شاهرودی - سازمان صنعت، معدن و تجارت استان‌ها، زیر نظر وزارت صنعت، معدن و تجارت است و سازمانی دولتی است.

آقای مدرسی یزدی - در این ماده، افرادی از غیردولت را قرار نداده‌اند [و لذا اشکال ندارد].
آقای رهپیک - بله.

آقای ابراهیمیان - یک نفر حقوقدان به انتخاب رئیس دادگستری استان را هم به عنوان یکی از اعضا گفته است.

آقای رهپیک - نه، حقوقدان هم ممکن است دولتی یا غیردولتی باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا نباید که همه‌ی اعضای هیئت حل اختلاف، دولتی باشند.

آقای رهپیک - حالا اگر آن اشکال قبلی که گرفتیم، رفع شود، این اشکال هم رفع می‌شود.

آقای عزیززاده - بله، اگر [آراء هیئت حل اختلاف] قابل شکایت باشد و در دادگستری مطرح شود، [اشکال ترکیب اعضای هیئت از لحاظ عضویت افراد غیردولتی در آن] حل می‌شود.

آقای رهپیک - بله، مسئله حل می‌شود. مشکلی پیش نمی‌آید.^(۱)

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۹۸۸ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۷ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۷۴/۴۰۵۹۵ مورخ ۱۳۹۲/۷/۷، طرح اصلاح موادی از قانون معادن و اصلاحات بعدی آن مصوب جلسه مورخ سوم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۷ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- بند (۲) ماده واحده موضوع الحاق تبصره (۵) به ماده (۲۴) قانون، از این حیث که معلوم نیست آیا تصمیمات قطعی هیئت مذکور، قابل شکایت در مرجع صالح قضایی است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شوراست. این خیلی چیز خوبی است... فرض
بفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب
است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سبانه‌ای است.
این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال
پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها در آمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت
علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



پژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،

کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir